

بررسی تفسیر تربیتی آیات هدایت، تزکیه و رشد در قرآن کریم

محمدحسن فیاض^۱

چکیده

هرچند واژه تربیت در قرآن کریم به کار نرفته ولی کلمات چون تزکیه، هدایت و رشد دارای معنای نزدیک به آن است و می‌تواند به عنوان یک موضوع و گرایش جدید تفسیر تربیتی در نظر گرفت. تزکیه به معنای رشد دادن است اما نه هر رشدی بلکه آن رشدی که خدای بوده و سعادت دنیایی و اخروی را در پی داشته باشد. رشد و هدایت نیز به معنای راه راست و کمال است که از این جهت با تربیت به نحوی ارتباط معنای پیدا می‌کند.

منظور از تفسیر تربیتی تفسیری است که تمام شرایط، ابعاد، منابع و مسایلی که در تفسیر درست قرآن و عاری از تفسیر به رأی، به منظور کشف مراد خداوند متعال لازم است، توجه گردد؛ یعنی مفسران قرآن کریم با توجه به شرایط تفسیری و مراعات اصول و قواعد موجود در تفسیر و در نظر گرفتن شرایط نظام آموزشی؛ ازهر آیه و سوره‌ای از قرآن مجید، می‌توانند مبانی، اصول، ابعاد و روشهای تربیتی را استنباط نموده و به دست آورند. چنانکه مفسران و مربیان در ذیل آیات مربوط به هدایت، رشد و تزکیه مسایل تربیتی را برداشت و استخراج نموده‌اند.

آنچه از تفاوت تعلیم و تربیت رسمی و صرفاً در حوزه علوم انسانی با موضوعات قرآنی که به مسایل تربیتی پرداخته به دست می‌آید، این است که موضوعات تربیتی قرآنی صرفاً جنبه مادی و ظاهری را در نظر ندارد بلکه تمام عرصه زندگی انسان هم در جنبه مادی و هم معنوی و اخروی را مد نظر قرار داده است.

کلید واژه‌ها: تفسیر، تربیت، تفسیر تربیتی، تزکیه، هدایت و رشد.

مقدمه

قرآن به عنوان یک امر وحیانی و الهی، یکی از منابع مهم، اصلی و معجزه جاویدانی پیامبر اسلام، دارای مضامین و دستورات سازنده، جهت هدایت بشر است. کشف مراد و مقصود اصلی خداوند از آیات قرآن کریم و استفاده و عمل به آن در کنار سایر آموزه‌ها و منابع اسلامی، زمینه را برای، رشد، تزکیه، هدایت، سعادت و تکامل انسان‌ها در تمام فرایند زندگی آنان فراهم می‌سازد. قرآن کتاب جاویدانی است، پیامها و دستورات آن منحصر به یک مقطع از زمان نیست بلکه در هر زمان و مکانی قابلیت بسط و تعمیم در موضوعات مختلف و مورد نیاز انسانها را داشته و آینده بشریت در پرتو هدایت آن تضمین می‌شود.

یکی از گرایش‌ها و برنامه‌های قرآنی را که مفسران و اندیشمندان تعلیم و تربیت، نسبت به آن اهتمام ورزیده و مورد توجه قرار داده‌اند، پیام‌ها و نکات تربیتی آیات قرآن کریم است که به نحوی از معنا و مفهوم مرتبط در عرصه آموزش و پرورش برخوردار است؛ آیاتی که ارتباط نزدیکی با رشد و پرورش افراد، در ابعاد، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت دارند. عالمان و دانشمندان این حوزه در صدداند تا مراد خداوند متعال را بدین منظور، بررسی، کشف و استنباط نمایند.

براین اساس، این تحقیق در صدد است تا پاسخ این سؤال اصلی را بیابد، چه تفسیر تربیتی را می‌توان از آیات هدایت، تزکیه و رشد در قرآن کریم به دست آورد؟ بدیهی است که سوالات پیرامونی یا فرعی دیگری به منظور بررسی و پاسخ بهتر برای پرسش اصلی نیز مطرح‌اند. پیشگامان و منابع تفسیری تربیتی کدامند؟ از چه روش‌های برای تفسیر تربیتی استفاده نموده‌اند؟ مفاهیم و چستی‌واژه‌های پژوهش نیز نیازمند بررسی است تا براساس آن ارتباط معنای تفسیر و تربیت مشخص گردد.

اهمیت و ضرورت تفسیر تربیتی

یکی از مباحث مهم و ضروری در تعلیم و تربیت اسلامی توجه به معنا و تفسیر آیات قرآن کریم است که اندیشمندان و عالمان حوزه آموزش و پرورش باید به این موضوع مهم اهتمام ورزیده و دستورالعملها و آموزه‌هایی تربیتی آن را به دست آورند تا نتایج آن برای مریبان به صورت کاربردی مورد استفاده قرار گیرد. این کار دارای شرایط و فرایندی است که جز باتوجه به پیامهای تفسیری و تربیتی قرآن کریم میسر نخواهد بود، چراکه مسائل

آیات تربیتی به طور صریح و آشکار بیان نگردیده و آن را باید با توجه به آیات و معلومات دیگر و دقت عقلی به دست آورند تا اهداف و منظور خداوند به دست آیند.

مطالب و آیات قرآن کریم معلومات و معارف گوناگون بشری را در قالب الفاظ و کلمات محدود بیان نموده اند بر همین اساس تدبر و دقت کافی در آیات و الفاظ آن جهت به دست آوردن پیامهای اصلی قرآن لازم و ضروری به نظر می‌رسد. وقتی به پاره‌ای از آیات و روایات مراجعه گردد ملاحظه می‌شود که تأکید بر تفکر و دقت عقلی روی آیات قرآن گردیده است، این نشانه‌ی از ضرورت و اهمیت تفسیر تربیتی است. «کتاب انزلنا إلیک مبارک لیدبروا آیاته ولیتذکر أولوا الالباب» (ص ۲۹) این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند. «با لبینات والزبر وانزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم ولعلهم یتفکرون» (نحل ۴۴)، از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند) و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند.

امام علی (ع) می‌فرماید: وان القرآن ظاهره أنیق وباطنه عمیق، لاتفنی عجایبه، ولاتنقضی غرابیه، ولاتکشف الظلمات إلا به. (نهج البلاغه خطبه ۱۸) قرآن دارای ظاهر زیبا و باطن ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت آور آن تمام نمی‌شود، و اسرار آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکیها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد.

در این آیات و روایت، اندیشیدن و تفکر روی آیات قرآن جهت کشف حقایق و اهداف آن گردیده است که در مسایل آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین بسیار ضروری و با اهمیت است که پرورش استعدادهای انسان جهت دستیابی به کمال و سعادت دنیایی و ابدی از متن منابع قرآنی و پیامهای آن به دست آید، لذاست که ضرورت استفاده از تفسیر تربیتی آیات و پیامها آن قابل انکار نیست. بنابراین زندگی موفقیت آمیز مادی و معنوی انسانها در حوزه اجتماعی، منوط به تربیت، تهذیب و هدایت آنان است. لذا توجه به اهداف و پیامهای قرآن، جهت تأمین نیازهای بشر ضروری به نظر می‌رسد تا در پرتو آن به ابعاد و ساحات مختلف وجودی انسان توجه گردیده و از رشد و هدایت مناسب برخوردار گردد.

روش پژوهش در تفسیر تربیتی

از میان روش‌های مختلف تفسیری در قرآن کریم؛ یعنی روش قرآن به قرآن، روایی، عقلی، عرفانی و... روش تفسیر تربیتی بیشتر و به صورت اغلیبی از روش تفسیر علمی بهره می‌برد. البته این به معنای آن نیست که از روش‌های دیگری هیچ استفاده نکند بلکه می‌توان از یک یا چند روش به صورت ترکیبی استفاده نمود. منظور از تفسیر علمی همان توضیح دادن آیات به وسیله علوم تجربی به شیوه‌های مختلف که هرکس با توجه به روش خاصی که از تفسیر علمی در ذهن خود دارد انجام می‌دهد. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۳ ص ۲۷۴).

علوم تربیتی که یکی از دانش‌های جدید امروزی است، مبتنی بر تجارب علمی است. شالوده اصلی آن آزمایش و خطای بوده که روی دانش آموزان و شاگردان در مدارس و آموزشگاه‌ها توسط روانشناسان صورت گرفته است. با این وصف کار تفسیر تربیتی، یک امر علمی و تجربی است که مفسران با دقت و شرایط تفسیری از شیوه علمی به اجتهاد و استنباط مطالب آیات قرآنی بهره می‌گیرند.

تفسیر اجتهادی علمی یکی از کامل‌ترین روش تفسیری محسوب می‌گردد. اجتهاد در اینجا به معنای اعلام برداشت مفسر، بعد از رجوع به آیات، روایات، قراین عقلی، علمی و منابع دیگر و با توجه به اینکه مفسر دارای شرایط لازم در تفسیر است، صورت می‌گیرد. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۳ ص ۱۲۴). در حقیقت تفسیر اجتهادی تلاش و کوشش برای فهم و آشکار کردن معانی و مقاصد آیات براساس شواهد و قراین معتبر است. (بابایی ۱۳۹۱ ج ۲ ص ۱۱).

با توجه به این روش، کارشناسان علوم تربیتی که لازم است دانش کامل از ترکیب و عناصر سازنده علوم تربیتی داشته باشند، مطالب علمی این رشته را در قرآن کریم عرضه می‌کند و به دنبال کشف مطالب قرآنی در این رابطه هستند. این روند تحمیل دیدگاه تجربی بر قرآن نیست تا سر از تفسیر به رأی در آورد، بلکه عرضه آن به منظور کشف شباهت‌ها و یا تفاوت‌های است که بین علوم تفسیری و تربیتی وجود دارد که آیا از مقایسه آن دو می‌تواند به یک نتیجه نسبتاً قطعی در تفسیر یک آیه‌ی از قرآن برسند یا نه؟ مثلاً رشد و هدایت که مریبان و روانشناسان در علوم تربیتی و روانشناسی نسبت به کودکان مطرح نموده‌اند، همان معانی هستند که مفسران قرآنی در آیاتی که مربوط به رشد و هدایت در قرآن است، نموده‌اند؟ میزان شباهت‌ها و تفاوت‌های آن چگونه است؟ بنابراین مفسران

تربیتی سرکار با شباهت‌ها و تفاوت‌های دو علوم دارند تا از میان آن مطالب تفسیری را کشف و استنباط نمایند.

پیشینه و معرفی برخی منابع تفسیر تربیتی

در اینجا مناسب است برخی از منابع تفسیر تربیتی به صورت اجمال معرفی گردد.

- ۱- المنار، شیخ محمد عبده (۱۳۲۳ق) و محمد رشید رضا (۱۳۵۴ق)، از عالمان قرن چهارده و شافعی مذهب بوده و به زبان عربی نوشته شده است.
- ۲- تفسیر مراغی، شیخ احمد بن مصطفی مراغی (۱۳۷۱ق) شافعی مذهب و اشعری مرام به زبان عربی.
- ۳- خلاصه البیان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی میردامادی (۱۳۸۰ق)، شیعه مذهب و به زبان عربی.
- ۴- فی ظلال القرآن، سید قطب (۱۳۸۶ق)، از عالمان اهل سنت و اشعری مرام به زبان عربی.
- ۵- پرتو از قرآن، سید محمود طالقانی (۱۳۹۹ق)، از عالمان مبارز جهان تشیع شامل بخشی از آیات قرآن به زبان فارسی.
- ۶- روان جاوید، میرزا محمد تقی (۳۴۰۶ق)، از عالمان شیعه و تفسیر او باهدف تربیتی و به زبان فارسی نوشته شده است.
- ۷- الأساس فی تفسیر، سعید حوی (۱۴۱۱ق)، از مفسران اهل سنت به زبان عربی.
- ۸- من وحی القرآن، سید محمد حسین فضل الله، از عالمان و مبارزان شیعه لبنانی.
- ۹- تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد حسین شیرازی، از مفسران شیعه و به زبان عربی.
- ۱۰- الواضح، شیخ محمد محمود حجازی، اهل سنت به زبان عربی. (مؤدب: ۱۳۸۰: ۲۷۱-۲۷۷)
- ۱۱- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، از عالمان و شخصیت‌های برجسته شیعه به زبان فارسی البته این تفسیر جزء گرایشی دیگری تفسیری نیز محسوب می‌گردد.

مفاهیم و چیستی واژه‌های پژوهش

قبل از پرداختن به تفسیر تربیتی تزکیه، رشد و هدایت در قرآن کریم، لازم به نظر می‌رسد که این واژه‌ها از نظر مفهومی و معنای هرچند به صورت کلی و اشاری بررسی گردد، زیرا معنایی آن، در جهت دهی تحقیق کمک خواهد نمود.

۱. تفسیر

این واژه از ماده فسر مصدر باب تفعیل است و گفته شده است: فسر یعنی بیننده و اوضحه.

التفسیر: مصدر والاشهر هوایضاح معنی اللفظ. (اقرّب الموارِد ماده فسر)

الفسر: البیان، وقد فسرت الشئ افسره بالكسرفسراً والتفسیر مثله. (الصّاح: ماده فسر).

بنابراین تفسیر در لغت به معنای بیان، واضح و آشکار شدن آمده است.

تفسیر در اصطلاح همانند واژه‌های دیگر در علوم نظری از مفهوم مختلف برخوردار و هرکه تعریف و مفهومی را انتخاب نموده است. «تفسیر تنها توضیح الفاظ قرآن نیست، بلکه توضیح مراد خداوند است. هدف اساسی در تفسیر، رسیدن به مدلول لفظ و بیان معانی پنهان آن است نه معانی ظاهری لفظ که از ظاهر کلام به ذهن می‌رسد، لذا تفسیر پرده برداری از معانی پنهان و مقاصد نهایی کلام است، از این رو کلامی دارای تفسیر خواهد بود که نوعی معانی پنهان و پیچیده در آن وجود داشته باشد تا از راه تفسیر کشف و آشکار گردد» (مؤدب ۱۳۸۰ صص ۲۵-۲۴)

همچنین گفته شده است: «تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمالی آیات قرآن، و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» در توضیح این تعریف گفته اند: مراد از مفاد استعمالی، معنایی است که کلام با توجه به مفاهیم عرفی کلمات و قواعد آن دلالت دارد. و مراد واقعی، مطلبی است که گوینده آن را از کلام خویش اراده کرده باشد و ممکن است موافق مفاد استعمالی باشد و یا مخالف آن. قید «مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» به این جهت است که کلام خداوند بر زبان عربی است و باید با اصول و قواعد ادبیات عرب باشد و نیز از اقتضای زبان مردم، ضرورت می‌یابد که مراد خداوند متعال بر اساس محاوره عقلایی باشد. (بابایی و دیگران

۲. تربیت

تربیت واژه عربی معادل پرورش در زبان فارسی است. اهل لغت برای آن گفته اند: الرَّبُّ: در اصل به معنای تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد. وقتی می‌گویند ربه و رباه و ربه: یعنی او را تربیت و پرورش داد. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ماده رب) بنابراین تربیت از نظر لغت به معنای رشد و نمو دادن و پرورش دادن است.

از نظر اصطلاحی دانشمندان تربیتی با توجه به گستردگی، اهمیت و ارزش تربیت، تعاریف و تعبیر متعددی در این رابطه دارند. «پرورش به جریان یافرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است» (سیف ۱۳۸۴ ص ۲۸). به نظر می‌رسد این تعریف یکی از تعاریف مناسب برای پرورش است؛ زیرا جهات گوناگون فرد یا مرتبی را مد نظر قرار داده است.

۳. تزکیه

یکی از واژه‌های که در قرآن کریم آمده و به اعتقاد برخی تا حدودی به تعلیم و تربیت ارتباط داشته و مربیان و مفسران تربیتی آن را در مسائل پرورشی به کار برده‌اند، واژه تزکیه است. برخی تزکیه را دارای مفهوم عامی دانسته‌اند که شامل تربیت نیز می‌شود: «تربیت بیشتر از بزرگ کردن نوزاد و طفل و پرورش او استفاده نمی‌شود و به همین جهت، مخصوص کودکان است اما تزکیه مخصوص کودکان نیست، شامل پیران هم می‌شود، پس همگانی است» (بهشتی ۱۳۶۰ ص ۹۹)

تزکیه به معنی رشد دادن و بزرگ کردن است ولی نه هرگونه بزرگ کردن و رشد دادنی، بلکه آن بزرگ کردن و رشد دادنی که خدایی است و در جهت خیر و برکت و سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت است. بر همین اساس رهبران دینی به خاطر تزکیه برانگیخته شده است نه تربیت. بدون شک هدف این است که ما انسان مطلوب شویم و انسان مطلوب بسازیم. (بهشتی ۱۳۶۰ ص ۹۷). به نظر می‌رسد ارتباط تزکیه و تربیت بدان جهت است که

هر دو به سمت رشد دادن و ساختن انسان مطلوب در حرکت‌اند و در عین حال تفاوت‌های نیز با هم دارند.

۴. رشد و هدایت

این دو واژه از معنا و مفهوم نزدیک برخوردارند هر چند از نظر واژه‌شناسی تفاوت‌های نیز دارند. «رشد» چه مثبت و چه منفی، بدون هدایت صورت نمی‌پذیرد، چنانچه هر حرکتی به هر سمتی (حتی حرکات مادی)، بدون هدایت و هادی صورت نمی‌پذیرد. (با استفاده از سایت پاسخ به شبهات). کلمه رشد در کتب لغت بیشتر به معنای هدایت، راه راست یافتن، صلاح و خیر و کمال ترجمه شده است. روان‌شناسان و مربیان از این کلمه استفاده نموده و در مفهوم آن گفته‌اند: «رشد عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتاً پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت‌ها، ساخت و رفتار انسان که تحت تأثیر نضج و تعامل آن با محیط، در قالب الگویی منظم و منسجم صورت می‌پذیرد و مستلزم وحدت پیچیده کنشها می‌باشد» (مصباح و دیگران ۱۳۷۴ ص ۷۸). در قرآن مجید این کلمه گاهی در مقابل کلمه «غی» بمعنای گمراه شدن و گاهی در مقابل کلمه «ضر» به معنای خسران و گاهی در مقابل کلمه «شر» به معنای بدی و ناشایستگی آمده است (حنایی فریمانی، معارف قرآنی). براین اساس واژه رشد در قرآن کریم به کار رفته که ارتباط آن در مسایل تربیتی در مباحث آینده بیشتر مشخص خواهد شد.

۵. تفسیر تربیتی

از گرایش‌های تفسیر اجتهادی، تفسیر تربیتی است که در آن مفسران به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن می‌پردازند ولی گرایش غالب آنان پرداختن به روایات تفسیری نیست. بلکه آنها به تدبر و دقت در تبیین نکات تربیتی و هدایتی قرآن و آیات می‌پردازند. مفسران تربیتی همانند دیگر مفسران، در کار خود هدف دارند، ولی هدف آنها، تفسیر آیات تربیتی است که در آنها جهت هدایتی قرآن بیشتر روشن می‌شود.

«عبده معتقد بود که مفسر می‌باید به اهداف اصلی قرآن، یعنی پیام‌های تربیتی واجتماعی توجه کند و پرداختن به مباحث لغوی و زبانی به تنهای کافی نیست» (مؤدب ۱۳۸۰ صص ۲۷۱-۲۷۲).

در تفسیر نمونه نیز یکی از برنامه‌ها و اهدافی را که در واقع مفهوم تفسیر تربیتی است بیان می‌کند: «از آنجا که قرآن کتاب زندگی و حیات است، در تفسیر آیات به جای پرداختن به مسائل ادبی و عرفانی و مانند آن، توجه خاص به مسائل سازنده زندگی مادی معنوی و به ویژه مسائل اجتماعی شده، و به اندازه کافی روی مسایلی که تماس نزدیک با حیات فرد و اجتماع دارد تکیه گردیده است.» (تفسیر نمونه ج ۱ انگیزه نگارش تفسیر نمونه)

تفسیر تربیتی در واقع تفسیر اجتهادی است و برای آن دو معنا ذکر نموده است: اجتهاد به معنای رأی شخصی و بدون توجه به منابع تفسیر و آیات و روایات؛ که این صورت منتهی به تفسیر به رأی می‌گردد و مردود است و اجتهاد به معنای استنباط و برداشت مفسر، بعد از رجوع به آیات، روایات، قرائن عقلی، منابع دیگر تفسیر و دارا بودن شرایط مفسر و بعد از تأمل و دقت صورت می‌گیرد. این صورت دوم می‌تواند مورد تفسیر تربیتی قرار گیرد. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۳ صص ۱۲۳-۱۲۴). بنابراین منظور از تفسیر تربیتی در اینجا تفسیری است که تمام شرایط، ابعاد، منابع و مسایلی که در تفسیر درست قرآن و عاری از تفسیر به رأی، به منظور کشف مراد خداوند متعال لازم است توجه گردد.

بررسی آیات تربیتی پژوهش

عناوین و واژه‌های در قرآن کریم وجود دارد که تا حدودی هم معنا با کلمه تربیت است. به عبارت بهتر کلماتی در قرآن وجود دارد که مفسران و مریبان برداشت تربیتی نموده‌اند. گرچه واژه تربیت در قرآن به کار نرفته ولی کلمات چون هدایت، تزکیه، رشد و... آمده است. مریبان می‌توانند با دقت عقلی و شرایط تفسیری، اجتهاد نمایند تا تعلیم و تربیت دینی و اسلامی را کشف نمایند. بنابراین قرآن به عنوان منبع الهی جنبه‌های مختلف هدایتی و تربیتی برای انسانها دارد و با توجه به عنوان این پژوهش که بررسی تفسیر تربیتی هدایت، تزکیه و رشد است و با تکیه به تفاسیر مختلف، این کلمات بررسی خواهد شد.

قابل یادآوری است که عنوان مطرح شده در تحقیق بسیار مهم و ارزشمند و در عین حال بسیار وسیع و قابلیت بحث فراوانی دارد و در اینجا به عنوان طرح مسأله برای تحقیقات گسترده خواهد بود و بررسی جامع و کامل آن خارج از انتظار است.

۱. تزکیه انسان‌ها

تزکیه از واژه‌های است که مفسران قرآن به عنوان موضوع آموزشی و پرورشی می‌توانند اجتهاد تربیتی نمایند. همان طوری که در مفهوم تزکیه گذشت، پاکی نفس انسان و رشد استعدادهای آدمی همراه با خیر و سعادت دنیا و آخرت ارزشمند است. صرف پرورش دادن روح و جسم بدون توجه به ارزشهای الهی و انسانی ارزشی ندارد. لذا قرآن کریم و پیامبران خدا به خاطر هدایت و تزکیه بشریت از جانب خداوند آمده است. تزکیه سرزمین جان و روح انسان را آب یاری می‌کنند تا بذر علم و حکمت مستعد رویش و پرورش گردد. (برومند ۱۳۸۰).

در ارتباط با تزکیه در آیات قرآن کریم آمده است: «ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یتزکون» انک انت العزیز الحکیم»؛ پروردگارا!! در میان آنها پیامبران از خود شان برانگیز، تا آیات تورا بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی. (بقره ۱۲۹)

تزکیه به گونه‌های مختلف بیان گردیده است. در چهار جای از قرآن تعلیم و تزکیه باهم ذکر شده و در سه مورد تزکیه بر تعلیم مقدم شمرده شده است (بقره، ۱۵۱، ال عمران، ۱۶۴، جمعه، ۲) در یک مورد (آیه فوق) تعلیم بر تربیت مقدم شده است. با اینکه تا تعلیمی نباشد تربیتی صورت نمی‌گیرد.

بنابراین آنجای که تعلیم بر تربیت مقدم شده اشاره به وضع طبیعی آن است، و در موارد که تربیت مقدم شده اشاره به هدف بودن است؛ چراکه هدف اصلی تربیت است و بقیه مقدمه و زمینه ساز آن است. (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۲ ج ۱ ص ۴۷۵)

صاحب المنار در تفسیر این آیه می‌فرماید: «ان تعلیم الحکم لا یکفی فی الاصلاح امم و اسعادها، بل لابد ان یقرن التعلیم بالتربیه علی الفضائل و الحمل علی الاعداء الصالحه بحسن الاسوه و السیاسه فقلا «و یتزکون» ای یتطهر نفوسهم من الاخلاق ذمیمه، و ینزع منها تلک العادات الرذیله» (رشید رضا و عبده بی تاج ص ۴۷۳)

از داستان و دعای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل به دست می‌آید که فراگیری تعلیم به تنهایی در اصلاح و سعادت امتش کفایت نمی‌کند بلکه همراه تعلیم، تربیت نیز لازم است تا نفسهایش از اخلاق رذیله و عادات پست و نادرست پاک شود لذا باید

اعمال درست و نیکوی که مطابق ملکات نفسانی است و با فطرت خیر انسان سازگاری دارد ایجاد نموده و اعمال قبیح و شرور را از انسان دور نماید.

فخررازی در ارتباط با این واژه قائل به دو تفسیر است؛ یکی اینکه پیامبر (ص) جدای از تعلیم کتاب و حکمت، وعده و وعید و تذکر را جهت اصلاح و تقویت عمل صالح و ایمان در دنیا برای مردم که در واقع سبب برای طهارت است بیان نموده است دوم «بانهم أذكیاء یوم القیامت اذا شهد کل نفس بما کسبت، کتزکیه المزکی الشهود» (فخر رازی بی تا ج ۴ ص ۶۷). ممکن است منظور آن روز قیامت باشد که در روز قیامت شهادت به تزکیه بدهند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه زیاد توجه به پیامهای آن نمی کند می گوید خداوند دعای حضرت ابراهیم و اسماعیل را استجاب نمود و از میان آنان پیامبر را برانگیخت تا آنان را پاک کند و کتاب و حقایق الهی را با آنان تعلیم دهد. (ترجمه المیزان ج ۲ ص ۱۲۹).

گاهی تزکیه به عنوان هدف قابل تبیین است و قرآن کریم هدف از بعثت پیامبر اسلام را تزکیه می داند. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (ال عمران ۱۶۴)؛ خداوند به مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

در این آیه مراد از «تزکیه» همان معنی خودسازی و تربیت انسان است که انسان خود را از هر نوع آلودگی پاک و منزّه سازد و پیامبر اسلام (ص) در این آیه به عنوان نمونه و الگوی انسان مهذب و تربیت یافته بیان شده و به اندازه‌ای تزکیه و پاک گردیده است که به حد اعلای کمال و تربیت رسیده و امانت دار الهی در روی زمین گردیده است.

بنابراین رسیدن به تکامل و تزکیه روح و جان انسان یک امر غیر ممکن و نامعقول نیست بلکه به دست خود انسان است که زمینه رشد و پرورش اعضا و افکار خود را با تاسی به الگوی تربیت، که پیامبر اسلام (ص) است، فراهم نمایند و خود را با سرمایه عظیم معنوی قرآن کریم عجین سازد و همگام با حقیقت های قرآنی که أسوه چگونگی زندگی

کردن و رسیدن به قلّه رفیع سعادت را بیان می‌کند نه تنها به زبان و شعار بلکه به صورت عملی به سوی هدف حرکت کند.

از دیدگاه قرآن علم منهای تزکیه ارزش ندارد، بر خلاف کسانی که می‌گویند بشر همین قدر که به علم و آگاهی رسید جهل، ظلم، اضطراب، فقر وضعف که از عمده ترین دردها و مشکلات مردم است از بین می‌رود و انسان با علم بر تمام مشکلات شخصی و اجتماعی و فقر و زبونی فایق می‌گردد، ولی این فرضیه امروزه به وضوح در دنیا مشاهده می‌شود که اگر علم در مسیر اصلاح جامعه نباشد نه تنها مشکلات و دردهای جامعه را نمی‌تواند حل کند بلکه استثمار و استعمار نمودن سرمایه‌های ملی و معنوی و فرهنگی جامعه را در پی خواهد داشت پس تنها شناخت و معرفت کفایت نمی‌کند و باید به تعبیر قرآن علم همراه با تزکیه باشد. (مطهری ۱۳۷۰ ص ۴۲).

بنابراین فراگیران در محیط علمی و فضاهای آموزشی و پرورشی با توجه به آیات تزکیه و ارائه الگوها در قرآن کریم به زدودن ناخالصی‌ها و الودگی‌ها پردازند. در عین اینکه به تهذیب و تزکیه خود می‌پردازند وظیفه‌ی نسبت به تزکیه نفس دیگران دارند تا از این طریق جامعه‌ی سالم شکل گرفته و زمینه‌ی پیشرفت و ترقی علمی، دینی و فرهنگی فراهم شود.

۲. هدایت انسان‌ها

یکی از کلمات قرآنی را که مفسران استنباط تربیتی نموده و یا آن را معادل و معنای نزدیک به تربیت قرار داده‌اند، واژه «هدایت» است. هدایت در جاهای مختلف به کار رفته، هدایت به راه راست و مستقیم یا هدایت برای متقین و پرهیزکاران به واسطه قرآن کریم.

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، (بقره ۲)؛ آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست و راهنمای پارسایان است. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» (بقره ۱۸۵)؛ «ماه رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن] راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل] است.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف ۹)؛ او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

توضیح: ممکن است برخی آیات با مدلول مطابقی یا التزامی بر نکته یا نکات تربیتی دلالت نداشته باشد، ولی اگر تحلیل شود و در کنار یک نکته عقلی، یا نکات برگرفته از آیات دیگر یا روایات، شأن نزول، قاعده علمی قطعی و... قرار گیرد، نکته و یا نکات تربیتی از آنها به دست می‌آید. بنابراین می‌توان گفت این نوع آیات اهداف تربیتی دارد، ولی قابل تفسیر تربیتی به معنای خاص نیست؛ چرا که با مدلول مطابقی و التزامی نمی‌تواند بیانگر نکته یا نکات تربیتی باشد و منظور ما از معنای اول (تمام آیات قرآن اهداف تربیتی دارند)، همین است. منظور از معنای دوم (تمام آیات را می‌توان تفسیر تربیتی نمود) این است که تمام آیات قرآن با دلالت مطابقی یا التزامی بر نکته یا نکات تربیتی دلالت دارند و از مدلول مطابقی تمام آیات قرآن می‌توان نکته یا نکات تربیتی به دست آورد.

اگر مراد از هدایت در آیات شریفه، معنای اول (تمام آیات قرآن اهداف تربیتی دارند) باشد، بدون تردید دیدگاه حداکثری مقرون به صواب و به نظر می‌رسد درست باشد، چرا که تفسیر آیات قرآن بدون در نظر داشت سایر آیات و قراین عقلی و نقلی، تفسیر ناقص است یا تفسیر نیست. به عبارت دیگر مفسر زمانی می‌تواند مدلول آیه را به خداوند نسبت دهد که کلیه قراین و شواهد مربوط به موضوع آیه را، ببیند و تحلیل کند و گرنه نمی‌تواند آن را به صورت قطعی به خداوند نسبت دهد.

اگر این تحلیل را در باره این آیات (آیاتی که قرآن را هدایتگر، معرفی می‌کنند) بپذیریم، تمام آیات قرآن، حتی فواتح سور در قلمرو تفسیر تربیتی قرار می‌گیرند. برای نمونه درباره فواتح سور دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و یکی از آنها این است که این واژه‌ها رمزی بین خداوند و پیامبر(ص) است. اگر مفسری این دیدگاه را در باره فواتح سور پذیرفت، نکته تربیتی‌اش این می‌شود که باید اسرار را حفظ نمود و در اختیار دشمن قرار نداد (<http://www.farsnews.com/newstext>).

برهمن اساس بعضی از نظریه پردازان تربیتی، تربیت اسلامی را همان هدایت می‌داند: «تعلیم و تربیت یعنی هدایت و راهنمایی جنبه‌های مختلف رشد شخصیت فرد. از نظر اسلام، تعلیم و تربیت چیزی غیر از راهنمایی و هدایت نیست» (بهشتی ۱۳۶۰ ص ۵۰).

مؤلف تفسیر روان جاوید در آغاز تفسیر خویش، می فرماید: «از جهات قرآن جهتی را در نظر گرفتیم که برای آن نازل شده و آن هدایت متقین است» (تقفی ۱۳۹۸ ج ۱ ص ۲)

بنابراین هدایت انسانها در قرآن کریم می تواند به عنوان یک مسأله مهم تربیتی که ارتباط نزدیک به اهداف تعلیم و تربیت اسلامی دارد، مطرح و قابل بررسی باشد. هرچند هدایت در جنبه ها و اقسام زیادی قابل تقسیم بندی است؛ هدایت تشریحی، تکوینی و سایر گونه های آن. گاهی منظور از هدایت، هدایت به معنای خلقت انسان در نظر است. هدایت الهی نیز به تناسب نحوه و حکمت خلقت و چگونگی مخلوقات و نیاز آنها - که همگی راه رشد را می پیمایند - به دو صورت انجام می گیرد: یکی هدایت در خلقت است، مانند نظم هدایت شده ای که در تمامی ذرات درونی و بیرونی خود می بینیم، که به آن «هدایت تکوینی» می گویند. و یکی هم هدایتی که ویژه ی انسان مختاری است که به او عقل و منطق و قوه اختیار و انتخاب داده شده است؛ یعنی او را از مبدأ و مقصد و چگونگی عالم هستی مطلع نموده و سپس راه را از چاه نشانش می دهند و برایش راهنما و معلم و هادی هم می گذارند و سپس می فرمایند: دیگر تو آزاد و مختاری که هر مقصدی را خواستی هدف بگیری و در هر راهی که خواستی قدم بگذاری، چرا که راه «رشد» از راه «ضلال» و گمراهی روشن شده است - «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» - هیچ اکراهی در این دین نیست، همانا کمال از ضلال متمایز شد» (البقره ۲۵۶)

در واقع «هدایت» به سوی رشد، مستلزم انطباق با حکمتها، قوانین، مسیر، مقصد و حقایق عالم هستی است. این قوانین گاهی به اجبار و در خلقت اعمال می گردد (تکوین) و گاهی به صورت ابلاغ بیان می گردد (تشریح)، که اطاعت آنها نشانه ی پیروی از عقل و عامل رشد و کمال انسان می گردد. (<http://www.x-shobhe.com/shobhe/1849.html>).

آنگاه هدایت دو معنا دارد یکی شناسایی و نشان دادن راه و دیگری پیمودن آن راه است یعنی آن مسیر را باید طی نمود تا به مقصد برسد این صورت اخیر یکی از اهداف نهایی و برتر در امر تربیت است. (باقری ۱۳۷۴ ص ۵۶).

«قلنا اهبطوا منها جميعاً فإما يأتينكم منى هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون» (بقره ۳۸)؛ گفتیم همگی از آن فرود آید هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین شوند.

در این آیه داستان هبوط حضرت آدم را بیان می‌کند. خداوند راه را نشان داده است هرکی از آن پیروی کند قطعاً هدایت می‌گردد و راه مستقیم را می‌یابد و دیگر حزن و اندوه برای آنان نیست.

بعد از هبوط نیز هدایت پیامبران، انبیاء و برگزیدگان الهی با دیگران متفاوت اند. حضرت آدم و رسولان الهی از همان مرتبه نخست راه صعود را پیش می‌گیرند ولی راه هدایت برای عموم مردم توسط آنان روشن می‌شود. اگر پیروی از هدایت آنان نمایند به حسب قانون خلقت و لازمه‌ی حکمت حتمی، هدایت از طرف خداوند می‌آید و رستگار خواهند شد. (طالقانی بی‌تاج اخص ۱۳۳-۱۳۴)

هدایت انسانها از مسائل مهم تعلیم و تربیت اسلامی است و قرآن کریم روی این مسئله تأکید نموده و اساس و زیربنای تربیت اسلامی را روشن ساخته است. لازم به یادآوری است که واژه هدایت در چندین جای قرآن به کار رفته است و هر کدام آن یکی از انواع و اقسام هدایت را پوشش می‌دهد.

۳. رشد و شکوفایی انسان‌ها

کلمه رشد و مشتقات آن چون «یرشدون»، «راشدون»، «مرشد»، «رشاد» حدود ۱۹ بار در قرآن به کار رفته است، از جمله در آیات زیر: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ و چون بندگان من از تو درباره من سؤال کنند بگو که به درستی من به آنها نزدیک هستم و دعای کسی را که مرا بخواند اجابت می‌کنم. پس باید از من بپذیرند و به من ایمان آورند تا شاید رشد پیدا کنند. (بقره ۱۸۶). «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ ضَلَّ لَهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا»؛ هر که را خداوند هدایت کند پس او راه یافته است و هر که (به کیفر کردارش) گمراه شود هرگز او را باور و رهبری نباشد (کهف ۱۷). کلمه رشد به معنی رسیدن به واقع است و در قرآن به معنای هدایت یافتن و رسیدن انسان به کمال و جودیش به کار رفته است، چنانکه قرآن در مورد حضرت ابراهیم می‌گوید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ»؛ به تحقیق که ما قبلاً به ابراهیم آن رشدی (را که می‌توانست داشته باشد) دادیم و ما (به شایستگی‌های) او دانا بودیم. (انبیاء ۵۱).

اصحاب کهف نیز از خداوند چنین تقاضا می‌کنند: «رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»؛ پروردگارا از جانب خودت بر ما رحمت فرست و راه نجاتی برای ما فراهم ساز (کهف: ۱).

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز هدف دعوت خود را چیزی جز رشد و کمال انسان‌ها نمی‌داند. «مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»؛ شما را جز به راه رشد هدایت نمی‌کنم. (غافر ۲۹)

در مقابل کلمه رشد، در قرآن کلمه غی به کار رفته است که به معنای گمراهی و دور شدن از واقع است. این کلمه نیز ۴ بار در قرآن به کار رفته است. (نصری، با استفاده از سایت راسخون).

رشد در قرآن به معنای رشد جسمانی نیست. واژه رشد در فرهنگ قرآنی از واژه‌های در حوزه عقل و فکر انسان است. رشد، کمال عقل است؛ از این رو نمی‌توان کسی را که عاقل است رشید نامید. به طور کلی رشد به جنبه‌های معنوی و اطاعت از اوامر الهی و پیروی از پیامبران او نیز توجه دارد؛ کسی که از پیامبر اطاعت کند به سعادت می‌رسد و کسی که آن را مخالفت کند به عذاب گرفتار خواهد شد و در عین حال بشریت جایگاه و رسالت خویش را رانمی‌داند با اینکه رحمت خداوند را با فطرت خود می‌داند ولی از آن غافلند.

عناصر رشد و شکوفایی

با نظر در آیات قرآن کریم می‌توان گفت: سه عنصر در مفهوم رشد نهفته است؛ جامع‌نگری، انتخاب احسن، خردورزی و اقامه برهان. با این بیان، رشید کسی را گویند که اولاً عقلی جامع‌نگر داشته باشد، ثانیاً از میان راه‌های مختلف، قادر به انتخاب احسن باشد، ثالثاً انتخابش مبتنی بر حجت و برهان باشد. اکنون به بیان مستندات قرآنی هریک از این سه عنصر می‌پردازیم.

الف) جامع‌نگری

از آیات سوره کهف در داستان خضر و موسی علیهما السلام فهمیده می‌شود که لازمه رشد در هر امری، احاطه فرد به جوانب مختلف آن امر است. خداوند در آیه ۶۵ سوره کهف می‌فرماید: «ما به خضر دانشی خاص آموختیم». در آیه بعد این دانش ملازم یا زمینه‌ساز رشد معرفی شده است، آنجا که حضرت موسی به خضر علیه السلام می‌گوید:

«هل اتبعك على ان تعلمن مما علمت رشدا»؛ آیا تو را پیروی کنم بر اینکه مرا از آنچه به تو آموخته‌اند بیاموزی تا به رشد راه یابم و از آیه ۶۸ همین سوره فهمیده می‌شود که یکی از لوازم رشد، «احاطه خبری» به موضوعاتی است که مورد تصمیم‌گیری است. خضر علیه السلام در استدلال بر این که چرا موسی علیه السلام نمی‌تواند در همراهی با او شکیبا باشد می‌گوید: «كيف تصبر على ما لم تحط به خبرا» [کهف ۶۸]؛ چگونه بر آنچه کاملاً آگاه نیستی، شکیبایی کنی

دایره اطلاعات خضر علیه السلام فراتر از اطلاعات موسی علیه السلام بود، لذا او از اموری آگاه بود که موسی علیه السلام آگاهی نداشت و همین باعث شده بود، که خضر علیه السلام در هر مورد، عملی رشیدانه انجام دهد؛ اما موسی علیه السلام که از آن اطلاعات بی‌بهره بود، آن عمل را ناپسند و قبیح بداند. به طور مثال وقتی خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد، موسی علیه السلام آن را با این عبارت تفسیح کرد: «لقد جئت شيئا امرا» (کهف ۷۱)؛ (براستی کاری ناپسند انجام داد

بنابراین وقتی انسان از همه جوانب کاری که «می‌خواهد انجام دهد، اطلاع نداشته باشد، ممکن است کاری صحیح را قبیح و یا کار قبیحی را نیکو بشمرد. پس اولین رکن رشد یافتگی، داشتن تصور صحیح از جوانب و عواقب امور است. تاکید قرآن و سنت بر تدبر و عاقبت اندیشی در امور نیز به همین رو است. گاهی انتخاب راه ورود در امری، مستلزم دیدن راههای خروجی است.

ب) انتخاب راه درست و احسن

خداوند در آیه ششم سوره نساء پس از آنکه همگان را از سپردن اموال به دست سفیهان باز داشته است، می‌فرماید: «وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم» (و یتیمان را تا وقتی که به [سن] نکاح می‌رسند، بیازمایید! اگر آنان را رشید یافتید، مالهایشان را به آنان برگردانید.

طبق ظاهر این آیه، تازمانی که یتیم به رشد نرسیده، نمی‌توان اموالش را در اختیارش گذاشت تا در آن تصرف کند. اما برای رسیدن به جواب این سؤال که چه وقت می‌توان گفت: او به رشد رسیده است و می‌تواند در اموالش تصرف کند، کافی است به وظیفه‌ولی یا قیم نظری بیان‌دازیم که اموال یتیم به او سپرده شده است. او موظف است

درتداول مال یتیم، بهترین شیوه ممکن را برگزیند تا منافع او را به نحو احسن تامین کند. خداوند می‌فرماید: «ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن» (انعام: ۱۵۲)؛ به مال یتیم نزدیک مشوید، جز به گونه‌ای که بهتر باشد. پس می‌توان از این دو آیه چنین نتیجه گرفت که وقتی یتیم خود بتواند مال خود را از میان راههای مختلف در راه صحیح‌تر بکاربندد، به رشد رسیده است. بنابراین «انتخاب احسن» رکن دیگر رشد است که در همه‌امور، چه در حوزه اندیشه و یا در حوزه گفتار و رفتار باید ملاک عمل باشد

واژه رشد درقرآن زیاد به کار رفته است و دارای مفهوم جامعی است. «وانا لاندری اشر ارید بمن فی الاض ام اراده بهم ربهم رشد» (جن: ۱)؛ و اینکه مانمی دانیم آیا اراده شری درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟.

و نیز درآیه ۱۴همان سوره می‌فرماید: «وانا منا المسلمون ومن القاسطون فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا»؛ و اینکه گروهی ازما مسلمان وگروهی ظالمنند؛ هرکس اسلام را اختیار کند راه درست و راست را برگزیده است.

در تفسیر کلمه رشد گفته شده است به معنای رسیدن به واقع در هر نظریه است، که خلاف آن یعنی به خطا رفتن ازواقع «غی» می‌گویند. و«هدایت قرآن به سوی رشد» همان دعوت او است به سوی عقاید حق واعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رساند. (طباطبایی ج ۲۰ ص ۵۹)

در«أم ارادبهم ربهم رشدا» گفته است: خیر و رحمت است. عرفوا ما یترتب علی إرسال الرسول من سعاده لمن اتبعه، وعذاب لمن خالفه، ولم یعرفوا کیف یکون موقف البشریه من الرساله الجدیده فقالوا ماقالوه، مراعین کمال الادب، العجیب أنهم ادركوا بیداهه الفطره مالا یدریکه الآن کثیرون ممن یعیشون فی الارض الاسلام. (حوی ۱۴۰۹ ج ۱۱ ص ۶۱۷۵)

باید یادآور شد که واژه رشد درقرآن مجید زیاد به کار رفته است و تعبیر به آن، «تعبیر بسیار گسترده وجامعی است که هرگونه امتیازی رادریز می‌گیرد، راهی است صاف، بدون پیچ وخم، روشن وواضح که پویندگان را به سر منزل سعادت وکمال می‌رساند» (مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۵ ص ۱۰۳)

ج) خردورزی و اقامه برهان

چنانچه کسانی در راه صحیح قدم بردارند، اما اگر از آنها پرسیده شود که چرا در این راه گام برمی دارید، جوابی قانع کننده ارائه ندهند، اینگونه افراد را نمی توان رشید نامید. بنابراین داشتن حجت و برهان از لوازم رشد است. به تعبیر قرآن، کسانی که به اقوال مختلف گوش فرا می دهند و از بهترین آنها پیروی می کنند، اولوالالباب هستند؛ پس انتخاب رشیدانه آن است که به عقلی خالص، جامع نگر و پخته متکی باشد.

در قرآن آمده است، وقتی جوانان رشیدی به نام اصحاب کهف از حسن انتخاب پروردگار خود به قاطعیت سخن گفتند که: «ربنا رب السموات والارض لن ندعوا من دونهالها» (کهف ۱۴)؛ پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است ما جز او خدایی رانمی خوانیم، در ادامه، سوء انتخاب قوم خود و حجت نداشتن آنها را اینگونه بیان کردند: «هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه آلهة لولا ياتون عليهم بسطان بين...» (کهف ۱۵)؛ اینان قوم ما هستند. خدایانی جز خدای یگانه را برگزیدند؛ در حالی که دلیلی روشن بر آن ندارند. «سلطان بین» دلیلی است که بتواند بر ادعاهای مخالف آن غلبه و برتری پیدا کند. پس باید بر انتخاب گزینه ها در هر زمینه ای که باشد حجت داشته باشیم. اگر خضر علیه السلام راهی را انتخاب کرد که موسی علیه السلام در نظر اول آن را تقبیح نمود، در نهایت با بیان دلیل محکم و خلل ناپذیر خود، موسی علیه السلام را قانع کرد. بنابراین رشید کسی است که بتواند: اولاً، راههای مختلف را در نظر بگیرد و جوانب و عواقب هرکاری را ببیند؛ ثانیاً، راه بهتر را برگزیند؛ ثالثاً، آن راه صحیح را با حجت و برهان قاطع به اثبات برساند؛ لذا نمی توان اندیشه و عملی را پیش خود برتر دانست و با تحکم بر دیگران تحمیل کرد که چه بسا برتر بودن آن خیالی بیش نباشد؛ چنانکه خدای متعال درباره گروهی می فرماید: «يحسبون انهم يحسنون صنعا» (کهف ۱۰۴) (می پندارند که کاری نیک می کنند) و یا در جایی دیگر می فرماید: «افمن زين له سوء عمله فرآه حسنا» (فاطر ۸)؛ (پس آیا آنکه کار بدش آراسته شده و آن را نیک می بیند) (شاکر: <http://iecmd.org/maaref/quran>)

در عین اینکه واژه های رشد، تزکیه و هدایت از مفهوم و معنای متمایز برخوردار است. در مرحله نهایی دارای وحدت و یگانگی معنای است و آن هدایت و پاکی به سوی نیکی ها و سعادت ابدی انسانهاست. مناسب است مفسران و برنامه ریزان آموزشی بعد از تبیین

گرایشها و موضوعات قرآنی به تفکیک این گونه موضوعات با توجه به بعد علمی و استفاده از علوم تربیتی پردازند.

بنابراین رشد و آگاهی فرد و جامعه در مسیر درست یکی از اهداف و مسائل تربیتی در اسلام است که قرآن کریم آن را روشن ساخته است. براین اساس مربیان و روانشناسان تربیتی تلاش نمایند تا آموزش به قدر توان و استعداد متربیان و فراهم نمودن زمینه رشد و تفکر انتقادی را برای شاگردان و متربیان جامعه فراهم سازند. آنچه از تفاوت تعلیم و تربیت رسمی و صرفاً در حوزه علوم انسانی با موضوعات قرآنی که به مسایل تربیتی پرداخته به دست می‌آید، این است که موضوعات تربیتی قرآنی صرفاً جنبه مادی و ظاهری را در نظر ندارد بلکه تمام عرصه زندگی انسان هم در جنبه مادی و هم معنوی و اخروی را مد نظر قرار داده است.

نتیجه گیری

یکی از روش‌ها و گرایش‌های علمی قرآن کریم تفسیر تربیتی است که مفسران و مربیان با روش عقلانی و با استفاده از پیامهای آیات، استنباط تربیتی می‌نمایند. نمونه‌های آن واژه‌های تزکیه، هدایت، رشد در قرآن اند که ارتباط نزدیکی با فرایند و یا نظام تربیتی از دیدگاه اسلام و قرآن دارند. مفسران قرآن کریم با توجه به شرایط تفسیری و مراعات اصول و قواعد موجود در تفسیر و در نظر گرفتن شرایط نظام آموزشی؛ از هر آیه و سوره‌ای از قرآن مجید، می‌توانند مبانی، اصول، ابعاد و روشهای تربیتی را استنباط نموده و به دست آورند. در نظر گرفتن شرایط تفسیری به این دلیل است که فهم و درک قرآن منوط به برخورداری معلومات مختلفی است و فقدان آن، مقصود خداوند از الفاظ و عبارات قرآن را دچار ابهام ساخته و ضرورت می‌یابد که الفاظ و آیات قرآن براساس ضوابط خاصی تفسیر گردد. (بابایی و دیگران ۱۳۷۹ ص ۳۶).

با توجه به شرایط اجتماعی، رشد علمی، سرعت و شتاب ارتباطات و ایجاد شبه‌ها و سوالات قرآنی در سطح دنیا از وظایف مفسران، روانشناسان و مربیان مسلمان و در سطح کلان از رسالت نظام تعلیم و تربیت اسلامی است که به تبیین موضوعات و گرایش‌های جدید تفسیری پردازند تا از این طریق به تزکیه، هدایت و رشد انسان‌ها دست یابند. براین

اساس تعلیم و تربیت که تأثیر بسیاری در تحولات، هدایت و پیشرفت اجتماعی دارد؛ از موضوعات مهم و ارزشمند تفسیر اجتهادی نیز محسوب می‌گردد.

بنابراین تزکیه انسانها از آلودگی همراه با هدایت و رهبری به سوی حقیقت، رشد و شکوفایی دینی از مهمترین مسایل در بعد دینی و الهی است. وقتی انسانها در قلمرو یک جامعه مسلمان به تزکیه و رشد مناسب در ابعاد مختلف تربیتی دست پیدا نمود، زمینه هدایت و سعادت آنان فراهم گردیده و جامعه سعادت‌مند شکل خواهد گرفت.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
نهج البلاغه، خطبه ۱۸، ترجمه محمد دشتی.
- ۱- امام فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۴، دار احیا التراث العربی، بیروت-لبنان چاپ سوم
 - ۲- بابایی و دیگران، علی اکبر (۱۳۷۹)، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، و تهران: سمت، چاپ اول.
 - ۳- بابایی، علی اکبر (۱۳۹۱)، *بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری*، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه دانشگاه، تهران: سمت، چاپ اول.
 - ۴- باقری، خسرو (۱۳۷۴)، *نگاهی دو باره به تربیت اسلامی*، انتشارات: مدرسه، تهران، چاپ سوم.
 - ۵- مرتضی مطهری (۱۳۷۰)، *تکامل اجتماعی انسان*، مطهری، ص ۴۲، انتشارات صدرا، تهران، چاپ چهارم.
 - ۶- بهشتی احمد (۱۳۶۰)، *تربیت از دیدگاه اسلام*، قم: نشر پیام.
 - ۷- برومند سید مهدی (۱۳۸۰)، *شیوه های تعلیم در قرآن و سنت*، قم: انتشارات کتاب مبین، چاپ اول
 - ۸- ثقفی میرزا محمد (۱۳۹۸ هـ-ق)، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، ج ۱، تهران: برهان، چاپ دوم
 - ۹- حوی، سعید (۱۴۰۹ هـ ق)، *الاساس فی تفسیر*، ج ۱، ص ۶۱۷۵، دار السلام مصر، چاپ دوم.
 - ۱۰- رضایی اصفهانی محمد علی (۱۳۸۳)، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، تهران: اسوه، چاپ دوم.
 - ۱۱- رشید رضا سید محمد و محمد عبده، *تفسیر المنار*، ج ۱،
 - ۱۲- سیف. علی اکبر (۱۳۸۴)، *روان شناسی پرورشی*، تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ سیزدهم،
 - ۱۳- طالقانی، سید محمد، *پرتو از قرآن*، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - ۱۴- طباطبایی سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱، مترجم: آیت الله مکارم شیرازی، قم: دار

- ۱۵- طباطبای سیدمحمدحسین (۱۳۶۷)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، مترجم: موسوی همدانی قم: بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی، چاپ سوم.
- ۱۶- مؤدب سید رضا (۱۳۸۰)، روشهای تفسیر قرآن، قم: اشراق.
- ۱۷- مصباح و دیگران، علی (۱۳۷۴)، روان شناسی رشد (۱)، تهران: سمت، چاپ اول.
- ۱۸- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران: دارالمکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۱۹- حنایی فریمانی، حمیده، <http://www.maarefquran.org/index>
- ۲۰- عبدالله نصری، <http://rasekhoon.net/article/show/>
- ۲۱- محمدکاظم شاکر، مبانی رشد در قرآن کریم، http://iecmd.org/maaref/quran/mabaani_roshd_quran_shaaker.html